



که من آن مایه ندارم که به مقدار تو باشم
خویشتن بر تو نبندم که من از خود نپسندم
که تو هرگز گل من باشی و من خار تو باشم
سعیدی

من بی مایه که باشم که خریدار تو باشم
حیف باشد که تو یار من و من یار تو باشم
تو مگر سایه لطفی به سر وقت من آری



شاعر: نجمه منصوری
مترجم: محمود شیربازو

آغوشت را برایم باز کن
مرا با جان دل ببوس!
وقتی به تو فکر می کنم
صورتتم رو دوست دارم
لبانت باید چشمانم را می بوسید
همین حالا، حال مرا خوب کن
به دست هایم شک نکن
به عاشقانه هایی که کشیدم روی
پوست تنت
خودم را هیچ یادم نیست
تو را به تمامی به یاد دارم
حواست را به من پرت کن!

Open your arms to me
Kiss me deeply with all of
your heart
When I think of you
I love my face
Your lips should have kissed
my eyes !
Now , please make me well
Don't doubt about my hands
About those romantic touch
on your skin
I don't remember myself
But recall you very well
Take good care of me!

متن و ترجمه: محمود شیربازو

اگر دیوار اعتماد فرو ریزد
هیچ معماری از پس ساخت آن
بر نمی آید
If the wall of trust collapses
No architecture can
re-build it

کندوی دلم
لبریز از تلخی دلتنگی هاست
ذره ای از قنندت را
به آدرس: حالم
پست کن
عسل می شوم
The beehive of my heart
Is full of bitterness and gloom
Mail me
A little of your sweetness
I will be honey

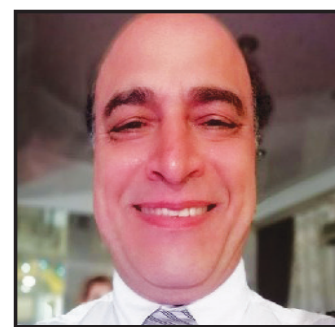
می بخشم
تمامی کسانی که
مرا آزرده و رنجاندند
بر من شیرینی بخشش
بر آنان
تلخی شرم !!
I forgive
All those who offended and
hurt me
For me
The sweetness of mercy
For them
The bitterness of shame!

بسیار زیاد داشت ، اشعار ایشان متأثر از
شوق او به عشق مردم، صلح ، طبیعت و
شنای حرفه ای در رود پر خروش کارون
و اکثر دریاها واقیانوسها و تجارب غنی از
آشنائی با فرهنگهای مختلف ، مردم شناسی
و سفر به اکثر قاره ها و کشورهای جهان و
اقامت طولانی در کشورهایی چون کانادا
و عربستان است، ایشان در چند صحنه تئاتر
و همچنین در فیلم: شهر من خون دین من
در زمان جنگ تحمیلی ایفای نقش داشته
و خالق کتاب ملودی عشق و ترجمه دهها
مقاله و شعر در داخل و خارج از ایران می
باشد.
در این صفحه به بخشی از اشعار و ترجمه
ایشان می پردازیم.



بیوگرافی

محمود شیربازو پژوهشگر و محقق ادبی،
شاعر، مترجم ، جهانگرد ، خواننده و
کارشناس بازرگانی خارجی در شهرستان
شوشتر از توابع استان خوزستان چشم به دنیا
گشود ایشان از کودکی به هنر و شعر علاقه



شاعر: مهرداد پیرامون
مترجم: محمود شیربازو



garden
Face to face with the wind
One by one Combing
The waterfall of my
imagination
But the wind has Spiritual
dance with Daf (Daf & Sama)
And the scent of her
imagination
Decorated with flowers in the
garden's
by the wind dancing
I grab
Her dream
Her scarf
Full of colorful vine ruby
Fly on my head
And
when the wind passes
Next to the garden
Lips on the lips of the grape
girls !
I fall asleep

روسری...

در انحنای افکار ارغوانیم
درون باغ رز پرسه می زخم
رو در روی باد،
آبشار خیالم را
تار، تار شانه می زخم
باد اما می رقصد با دف سماع
و عطر خیالش،
گل آویز به چشمه های جالیز باغ،
من با رقص باد، در رؤیای او،
چنگ می زخم،

روسری اش
پُر از رنگ یاقوتهای تاک
بال بال می زند بالای سرم !!

بعد از عبور باد
کنار باغ
لب بر لبان دختران رز
خودم را به خواب میزنم !

The Scarf...

I am in the arc of my purple
Thoughts
I am roaming in the vine

منتظر داستان و اشعار شما هستیم
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا
آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید.
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و
مطالب ارسالی برگشت داده نمی شود.
toloudaily@gmail.com
کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: محمود شیربازو

